

خودکشی شاعر، مترجم و پژوهشگر دکتر حسن هنرمندی در پاریس

افسانه خاکپور

از هم گریزی خواسته یا نا خواسته یکی از ویژگی های بخشی از نویسندگان و شاعران ساکن پاریس می باشد، در جوار یکدیگر و از هم دوری جستن را هم شرایط مهاجرت و مشکلات زیست و هم نوعی تفکر مسلط در این دیار دامن زده است.

حسن هنرمندی با روحیه ای فوق العاده حساس و زود رنج بیش از هر کس از این شرایط رنج برده و به ستوه آمده بود. او که گویی آغاز خزان دیگری را تاب نداشت در روزهای آخر سپتامبر در آپارتمان کوچک در طبقه چهاردهم یک ساختمان دولتی در هفتاد و چهار سالگی به زندگی خود پایان داد. در نامه ای که از خود بجای گذاشت عامل خودکشی خود را دشمنان شعر خود و دشمنان شعر و ادب پارسی نامید.

او چند روز پیش از خودکشی کتابهای وام گرفته از دوستان را به آنها باز گردانده و چنین وانمود کرده بود که قصد سفر دارد. در روز خودکشی خود نیز با دوست و همدم دیرینه خود آقای حمید دانشور، بازیگر تئاتر قرار ملاقات گذاشته، سپس دست به خودکشی میزند. آقای دانشور به در خانه او آمده و پاسخی نمی شنود، بعد از چند بار تلفن زدن و بی خبری، فردای آنروز دوباره خود را به خانه او رسانده و بناچار پلیس را خبر کرده و با صحنه خودکشی او روبرو میگردد.

دکتر حسن هنرمندی در سالهای 30-1332 و 47-1342 به سفر و تحقیق در شعر و ادبیات فرانسه پرداخت. او در دوران خلافت ادبی خود که از همین سالها تا پیش از انقلاب را در بر میگیرد دهها مجموعه شعر، نقد و بررسی در ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه و معرفی و شناساندن مکاتب مختلف شعری فرانسه از رمانتیسیم تا سورالیسم و ترجمه اشعار شاعرانی چون رمبو، بودلر، ملارمه، ورنل، والر، آراگن، اوار، لرتن، سوپر ویل، آپولینر و معرفی شماری دیگر از شاعران فرانسه و بلژیک پرداخت.

او بعنوان متخصص آندره ژید همچنین به ترجمه آثاری چون «مابده های زمینی» و بخش دیگری از آثار او همت گماشت. ترجمه «آلیس در سرزمین عجایب» اثر لوئیس کارول، «شام طولانی کریسمس» از ثورنتون وایلدز از جمله آثار اوست. علاوه بر چاپ چند اثر شعری، حسن هنرمندی به تحقیق درباره تأثیرات شعر پارسی بر شاعران اروپا و بویژه فرانسه و تدریس در همین زمینه پرداخت و آثاری نیز بزبان فرانسه نگاشت.

سالهایی پس از انقلاب ایران به فرانسه موطن دوم خود بازگشت و تا پایان عمر در پاریس و در انزوا و بدور از جنجالگران و مدعیان ادب و فرهنگ زیست. او که بدلیل زود رنجی و طبع ناسازگار خود (که حق هر هنرمندی است) و بی کفایتی فکری سردمداران ادبی مورد بی مهری و ناسپاسی مؤسسات و انجمن های ادبی و فرهنگی خارج از کشور قرار گرفته بود به گفته دوستان در سالهای اخیر دچار پارانوئا و توهم «رژیم ترسای» شده و با وجود آنکه در امور سیاسی و حتی اجتماعی دستي نداشته خود را همواره در تعقیب و کنترل دشمن می پنداشته و در تنهایی مفرط به اینگونه تخیلات و خود آزاری پناه میبرده است.

او که سوداگری ادبی را در شان خود نمیدانست مورد بی اعتنایی چند جانبه قرار گرفته و با وجود دانش در خور او در ادبیات فارسی و فرانسه در هیچیک از دانشکده ها و بنیادهای فرانسوی نیز راهی نداشت.

و چنین است سرنوشت سازش ناپذیران در شرق یا غرب |

یادش گرامی باد

پاریس 29 سپتامبر 2002

مرگ عاشقان

از بودلر

ترجمه حسن هنرمندی

بستر هایمان آغشته به بو های خفیف خواهند بود

و نیمکت های گود چون گور

و گلهایی عجیب در قفسه ها

در زیر آسمانهای زیبا برای ما شکفته خواهند بود

دلای ما که به همچشمی یکدیگر آخرین گرماهای خود را بکار برده اند

چون دو مشعل پهناور خواهند شد

که روشنایی دو گانه خود را براندیشه های ما، این دو آینه توامان

خواهند تابانید

شامگاهی که از سرخی و آبی عارفانه ای ترکیب یافته است

آذرخشی یکتا رد و بدل خواهیم کرد

همچون مویه ای طولانی که باردار بد رود است

اندکی بعد فرشته ای درها را خواهد گشود

و وفادار و شادمانه خواهد آمد تا آینه های گرد آلود و شعله های افسرده

را بار دیگر زنده گرداند.